

بررسی حقوق عامه و دیپلماسی دینی در سیاست خارجی ایران با بهره‌گیری از نظریات فقه اسلامی

سیدمحمد موسوی اندانی

گروه الهیات، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

احمدرضا توکلی*

گروه الهیات، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

محسن فهیم

گروه الهیات، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۳

چکیده

در این مقاله، نقش فقه اسلامی در شکل‌دهی به دیپلماسی دینی و تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، تأثیر حقوق عامه بر سیاست‌های خارجی ایران و موارد همپوشانی آن با فقه تحلیل شده است. مطالعات موردی در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا نشان می‌دهد که ایران از دیپلماسی دینی برای تقویت نفوذ خود بهره برده است. با این حال، این دیپلماسی با چالش‌هایی همچون رقابت با دیگر قدرت‌ها و تحریم‌ها مواجه است. ولی با توجه به توفیقات حاصل شده در عرصه بین‌الملل و منافع که بهره‌گیری از فقه اسلامی در دیپلماسی و حقوق عامه داشته است، این تجربه می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر کشورها باشد که به دنبال افزایش نفوذ و تأثیرگذاری خود در عرصه بین‌الملل در جهت منفعت عامه هستند. در نهایت، مقاله به بررسی محدودیت‌ها و فرصت‌های پیش روی ایران در استفاده از دیپلماسی دینی پرداخته است.

واژگان کلیدی: حقوق عامه، دیپلماسی دینی، سیاست خارجی ایران، فقه اسلامی

* احمدرضا توکلی: ahmadreza.t@iau.ac.ir «روش ارجاع به این مقاله: موسوی اندانی، سیدمحمد و

همکاران؛ (۱۴۰۴). بررسی حقوق عامه و دیپلماسی دینی در سیاست خارجی ایران با بهره‌گیری از نظریات فقه

اسلامی، دوفصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۵(۹)، ۷۸-۹۳»

۱- مقدمه

در عرصه‌ی بین‌المللی، کشورها از طریق ابزارهای مختلف سیاست خارجی خود را پیش می‌برند؛ از دیپلماسی و تجارت گرفته تا قدرت نظامی. اما برای جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی دینی نیز به عنوان یکی از این ابزارها به شمار می‌رود. دیپلماسی دینی، که ریشه در اعتقادات فقهی و اصول اسلامی دارد، نه تنها نشان‌دهنده‌ی نقش دین در سیاست خارجی ایران است، بلکه بازتاب‌دهنده‌ی تأثیر این اعتقادات بر رویکردهای بین‌المللی ایران به شمار می‌رود. این مقاله به بررسی چگونگی تأثیرگذاری فقه و حقوق عامه بر دیپلماسی دینی ایران و نتایج آن در سیاست خارجی کشور می‌پردازد.

برخی مطالعات گذشته، بر دیپلماسی دینی تمرکز داشتند تا تعریف واضحی از این مفهوم ارائه دهند و آن را از سایر انواع دیپلماسی متمایز کنند. منابعی مانند آثار «فرانسوا ثانون» در مورد دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی دینی اشاراتی دارند که چگونه این دو در هم تنیده‌اند و بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. همچنین تحقیقات بسیاری در خصوص نقش دیپلماسی دینی در ایران وجود دارد که بر چگونگی استفاده از اصول دینی به منظور پیشبرد اهداف سیاست خارجی تمرکز کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که ایران چگونه از دیپلماسی دینی برای ایجاد پیوندها با دیگر کشورهای مسلمان استفاده می‌کند. در اینجا به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

صادق‌زاده، محمدعلی (۱۴۰۲). «نقش مقام معظم رهبری در تبیین دیپلماسی مقاومت با تأکید بر دکترین دفاعی». این مقاله به بررسی نقش مقام معظم رهبری در تبیین دیپلماسی مقاومت با تأکید بر دکترین دفاعی می‌پردازد. مقام معظم رهبری با تکیه بر گفتمان انقلاب اسلامی و اهداف فراملی جمهوری اسلامی ایران، نقش کلیدی در تعریف مبانی شناختی و ساختاری مکتب اسلام اصیل داشته‌اند که منجر به تقویت دیپلماسی مقاومت از طریق

ارتباطات پایدار با مسلمانان منطقه و جهان اسلام شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که دیپلماسی مقاومت اسلامی تحت راهبرد دفاع آینده‌نگر مقام معظم رهبری، به عزت و اقتدار، استقلال و امنیت، صلح پایدار و نظم نوین منطقه‌ای کمک کرده است (صادق زاده، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۳-۱۷۷).

عباسی محمد و پورآخوندی، نادر و سیدی، سید حمیدرضا. (۱۴۰۱). «انقلاب اسلامی ایران و چالش‌های آن با نظام بین‌الملل». این مقاله به بررسی چالش‌های انقلاب اسلامی ایران با نظام بین‌الملل می‌پردازد. دولت‌های انقلابی معمولاً به دلیل ناعادلانه دانستن ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر عرصه داخلی و خارجی، به دنبال تغییر و جایگزینی آن‌ها با ارزش‌های جدید هستند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و رهبران آن از ابتدا به مخالفت با ساختار موجود پرداخته و خواستار جایگزینی آن‌ها با هنجارهای اسلامی شدند.

نگرش مذهبی رهبران انقلاب اسلامی ایران به نظام بین‌الملل سبب گردیده که عناصر تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل موجود و ارزش‌های آن به چالش کشیده شود. این ارزش‌ها که مبتنی بر اصول غربی و غیردینی هستند، از دید رهبران انقلاب اسلامی معتبر نبوده و هدف از طرح آن‌ها تحت فشار قرار دادن کشورهای آزادی‌خواه است (عباسی و پورآخوندی و سیدی، ۱۴۰۱، ص. ۳۰۷-۳۱۸).

امیر پور، محمد تقی. (۱۴۰۱). «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر رهبر معظم انقلاب». این مقاله به بررسی نقش آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر رهبر معظم انقلاب می‌پردازد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به طور عمده بر دو مکتب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی استوار است. مقام معظم رهبری با ارائه بیانیه گام دوم انقلاب و

بیانات متعدد خود، نظریه آرمان‌گرایی واقع‌بینانه را به عنوان چارچوبی برای تعاملات سیاست خارجی کشور مطرح کرده‌اند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مبانی گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با منطق آرمان‌گرایی و واقع‌بینی منطبق است. این منطق در تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای کشور تأثیرگذار بوده و به تبیین راهبردهای مؤثر در سیاست خارجی کمک کرده است. به طور خاص، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب، به دنبال ایجاد توازن بین آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در عرصه بین‌المللی است (امیرپور، ۱۴۰۱).

امتیاز تحقیق پیش رو در این است که این مقاله با بررسی نقش‌های مختلف حقوق عامه و دیپلماسی دینی در سیاست خارجی ایران، یک دیدگاه جامع و چندبعدی ارائه می‌دهد. در حالی که بسیاری از تحقیقات قبلی بیشتر بر یکی از این دو مفهوم تمرکز داشته‌اند، این مقاله تلاش می‌کند تا تعامل و تداخل بین حقوق عامه و دیپلماسی دینی را مورد بررسی قرار دهد.

همچنین با استفاده از مطالعات موردی متنوع از مناطق مختلف مانند خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا، یک تحلیل عمیق و مقایسه‌ای ارائه می‌دهد. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که چگونه دیپلماسی دینی ایران در شرایط و زمینه‌های مختلف عمل می‌کند و چه تأثیراتی بر روابط بین‌الملل دارد. برخلاف برخی تحقیقات قبلی که ممکن است فقط به یک منطقه یا کشور خاص پرداخته باشند، این مقاله یک دیدگاه گسترده‌تر و جامع‌تر ارائه می‌دهد.

این مقاله نه تنها به بررسی پیامدهای دیپلماسی دینی ایران می‌پردازد، بلکه به صورت دقیق و سیستماتیک چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ایران در این حوزه را نیز تحلیل می‌کند. این بخش از مقاله می‌تواند به سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران کمک کند تا استراتژی‌های مؤثرتری برای بهره‌برداری از دیپلماسی دینی تدوین کنند.

یکی دیگر از نقاط قوت این مقاله، ارائه پیشنهادات عملی برای بهبود استراتژی‌های دیپلماسی دینی ایران است. این پیشنهادات بر اساس تحلیل‌های دقیق و مطالعات موردی ارائه شده و می‌تواند به سیاست‌گذاران در بهبود و تقویت نقش دیپلماسی دینی ایران کمک کند.

و مهم‌ترین که مقاله به طور ویژه به تداخل و تعامل بین فقه اسلامی و حقوق عامه در سیاست خارجی ایران می‌پردازد. این جنبه از تحلیل کمتر در تحقیقات قبلی مورد توجه قرار گرفته است و می‌تواند به فهم بهتری از چگونگی تطابق یا تضاد این دو حوزه در سیاست خارجی ایران منجر شود.

این تحقیق به صورت کیفی انجام شده است و از روش‌های تحلیل محتوا، مطالعات موردی و تحلیل تطبیقی برای بررسی نقش حقوق عامه و دیپلماسی دینی در سیاست خارجی ایران استفاده می‌کند. و داده‌های مورد نیاز از طریق منابع ثانویه شامل مقالات علمی، کتب، گزارش‌ها، و اسناد رسمی جمع‌آوری شده است. به‌طور خاص، منابعی که به بررسی دیپلماسی دینی و حقوق عامه در ایران پرداخته‌اند، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

البته این تحقیق با محدودیت‌هایی همچون دسترسی محدود به برخی از منابع اصلی و داده‌های دست اول مواجه بوده است. همچنین، پیچیدگی‌های سیاسی و فرهنگی موضوع

ممکن است بر تحلیل‌ها تأثیر گذاشته باشد. با این حال، تلاش شده است تا با استفاده از منابع معتبر و روش‌های دقیق تحلیل، این محدودیت‌ها تا حد امکان کاهش یابد.

۲- چارچوب مفهومی و نظری

بررسی نظریه‌های فقهی که بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند، نیازمند تحلیل دقیق اصول و دستورالعمل‌های فقهی است که در تعاملات بین‌المللی کاربرد دارند. این اصول نه تنها مبنای اخلاقی و دینی سیاست‌ها را تشکیل می‌دهند، بلکه در عملکرد دیپلماتیک و تعیین سیاست‌های بین‌المللی نیز نقش محوری دارند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین نظریه‌های فقهی که معمولاً بر سیاست خارجی اثر می‌گذارند، پرداخته شده است:

۲-۱) نظریه ولایت فقیه

نظریه ولایت فقیه که به ویژه در جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار دارد، می‌گوید که یک فقیه جامع‌الشرایط باید بر امور مسلمانان حکومت کند. البته «حکومت باید به دست فقیه باشد، نه آنکه فقیه باید شاه و وزیر و سرلشکر و سپاهی باشد، بلکه فقیه باید نظارت در قوه‌ی تقنینیه و در قوه‌ی مجریه‌ی مملکت اسلامی داشته باشد» (خمینی، ۱۳۲۲، ص. ۲۳۲). این اصل تأثیر گسترده‌ای بر سیاست خارجی دارد، زیرا تصمیمات بین‌المللی باید با رهنمودهای فقهی هماهنگ باشند.

۲-۲) نظریه جهاد

فقه اسلامی نظریه‌های مختلفی در مورد جهاد دارد که می‌توانند به تعریف سیاست خارجی کمک کنند. این نظریه‌ها شرایط، زمان و نحوه اجرای عملیات‌های جهادی را مشخص می‌کنند و می‌توانند در تعیین رویکردهای دفاعی و تهاجمی کشور نقش داشته باشند. جهاد اسلامی برای خاموش کردن فتنه‌ها، دفاع از خویشتن، محو شرک و بت

پرستی و برای حمایت از مظلومان وضع شده است (قویدل، ۱۳۸۳). نکته شایان ذکر این که دو اصل دعوت و جهاد در طول هم تلقی شده است و نه در عرض هم؛ بدین معنا که جهاد می تواند یکی از مراحل دعوت دینی مطرح گردد. به همین دلیل است که جهاد غیر مسبوق به دعوت جایز نیست (سجادی، ۱۳۸۱).

۲-۳) نظریه امر به معروف و نهی از منکر

این اصل فقهی که به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد، می‌تواند در سیاست خارجی به کار رود به ویژه در مواردی که کشورها می‌خواهند استانداردهای اخلاقی و حقوق بشری را در سطح بین‌المللی ترویج دهند. می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک ابزار دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حساب آورد. دیپلماسی فرهنگی به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که کشورها با هدف ترویج فرهنگ و ارزش‌های خود و همچنین ایجاد درک متقابل و همکاری‌های بین‌المللی انجام می‌دهند. در این راستا، امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند بخشی از تلاش‌های فرهنگی و تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در جهت ارتقاء و ترویج ارزش‌های اسلامی باشد.

۲-۴) نظریه تقیه

تقیه در لغت از ماده «وقی» و از نظر هیئت، بر وزن فعیله و مصدر یا اسم مصدر ثلاثی مجرد (صفری، ۱۳۸۱، ص. ۴۳-۴۵) و می‌توان گفت یکی از مهمترین اطلاقات آن استتار و کتمان است. «ازجمله عواملی که انسان را به سمت هدف سوق می‌دهد و موانع را از سر راه او برمی‌دارد، استتار و کتمان است. هر آن کس که در حال مبارزه با ظالمی می‌باشد، باید تا حد امکان، نفس مبارزه و

روش های خود را از دشمنش پنهان کند؛ چراکه اگر پنهان نکرد، واضح است که دشمن وقتی اهداف^۲ و بلکه وجودش را مورد تهدید ببیند، بدون واکنش نخواهد نشست و دست به مقابله جدی خواهد زد و این موضوع حتی اگر به شکست نیانجامد هم موجب ناهمواری مسیر و سختی حرکت به سمت پیروزی خواهد شد؛ به همین دلیل است که ائمه (علیهم صلوات الله) در روایات متعدد شیعیان را به استتار و کتمان در مسیر حرکت به سمت هدف توصیه و بلکه مأمور می داشته اند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص. ۳۴۲). از این رو تقیه در دیپلماسی می‌تواند به معنای استفاده از استتار و کتمان به منظور حفظ منافع ملی و اهداف استراتژیک باشد. در شرایطی که دشمنان به دنبال ایجاد مانع در مسیر پیشرفت یک کشور هستند، استفاده از تقیه می‌تواند به دیپلمات‌ها کمک کند تا برنامه‌ها و اهداف خود را مخفی نگه دارند و از واکنش‌های احتمالی دشمنان جلوگیری کنند.

۲-۵) نظریه صلح و مصالحه

صلح و مصالحه از دیگر مفاهیم مهم فقهی هستند که در تعاملات بین‌المللی اهمیت دارند. در فقه اسلامی، صلح نه تنها به عنوان یک استراتژی برای پایان دادن به درگیری‌ها بلکه به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه برای جلوگیری از تنش‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. دیپلماسی اسلامی اغلب به دنبال ایجاد توافق‌های صلح‌آمیز و دائمی است که بر اساس عدالت و احترام متقابل شکل می‌گیرند.

۲-۶) نظریه حاکمیت و سیادت

فقه اسلامی بر مفاهیم حاکمیت و سیادت تأکید زیادی دارد. این اصول به معنای داشتن کنترل کامل و استقلال در تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی است. در فقه اسلامی، حاکمیت به مفهوم اعمال اقتدار و کنترل در امور داخلی و خارجی به صورت مستقل و بدون دخالت نیروهای خارجی تعریف می‌شود. این اصل به دولت‌های اسلامی اجازه می‌دهد که بر اساس شریعت اسلامی، سیاست‌ها و قوانین خود را تنظیم کنند و در مواجهه با فشارهای بین‌المللی، از استقلال و هویت ملی خود دفاع کنند.

قاعده نفی سبیل، یکی از اصول مهم فقه اسلامی است که به معنای عدم اجازه به کفار برای تسلط و نفوذ بر مسلمانان است. این قاعده بر اساس آیه ۱۴۱ سوره نساء که می‌گوید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (و خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است) بنا شده است. طبق فرمایش امام خمینی (ره): منطق اسلام این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد، نباید شما تحت سلطه غیر باشید (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۸۱-۹۵).

۲-۷) نظریه دفاع مشروع

در فقه اسلامی، دفاع مشروع به عنوان حقی برای دفاع از کشور در برابر تجاوز خارجی شناخته شده است. این اصل در سیاست خارجی به کار رفته و می‌تواند برای توجیه اقدامات نظامی یا دیپلماتیک در پاسخ به تهدیدات یا حملات استفاده شود. آیت الله مصباح یزدی در بیان حکمت تشریع جنگ و دلیل مشروعیت جنگ‌های دفاعی می‌نویسد: «دفاع از حقوق سیاسی و حاکمیت ملی و استقلال کشور در برابر دشمن متجاوز خارجی در عرف بین الملل مورد قبول است.» از این رو جهاد دفاعی در مقابل هجوم بیگانگان از اوجب واجبات و تشکیک در آن تشکیک در احکام کتاب و سنت است (سبحانی فر و مردمی، ۱۳۹۱).

۲-۸) نظریه اتحاد امت اسلامی

تأکید بر وحدت و اتحاد میان مسلمانان یکی دیگر از اصول فقهی است که می‌تواند بر سیاست خارجی تأثیر بگذارد. این نظریه بر لزوم همبستگی و همکاری میان کشورهای اسلامی برای مقابله با چالش‌های مشترک تأکید دارد و می‌تواند در ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش داشته باشد. از دیدگاه مقام معظم رهبری: یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصری که می‌تواند مایه‌ی شرافت و کرامت باشد برای رسول مکرّم اسلام و مردم مسلمان و جامعه و امت اسلامی، اتحاد امت اسلام است، رفع اختلافات است (خامنه‌ای، بی‌تا، ص. ۴۰). نظریه‌های فقهی مذکور هم نشان‌دهنده چگونگی تأثیرگذاری مفاهیم دینی بر سیاست خارجی هستند و می‌توانند به عنوان چارچوبی برای تحلیل و درک بهتر سیاست‌ها و رویکردهای بین‌المللی استفاده شوند.

۳- بحث و بررسی

سیاست خارجی هر کشور، به‌ویژه در کشوری با پیشینه تاریخی و تمدنی عمیق مانند ایران، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. یکی از این عوامل، حقوق عامه یا «حقوق عمومی» است که شامل حقوق و وظایف شهروندان در برابر دولت و بالعکس می‌شود. این مقاله به تحلیل چگونگی تأثیر حقوق عامه بر سیاست‌های خارجی ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم حقوق عمومی می‌تواند بر تصمیمات و تعاملات بین‌المللی ایران تأثیرگذار باشد.

۳-۱) اصول حقوق عامه و ارتباط آن با سیاست خارجی

حقوق عامه مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی را در چارچوب یک نظام حقوقی تضمین می‌کند. این حقوق شامل آزادی بیان، حق

تجمع، حق مشارکت سیاسی و دسترسی به عدالت است. در سیاست خارجی، این حقوق می‌توانند به عنوان ابزاری برای تقویت مشروعیت دولت و افزایش اعتماد بین‌المللی به کار روند.

۳-۲) تأثیر حقوق عامه بر سیاست خارجی ایران

حقوق عامه می‌تواند از چندین جنبه زیر بر سیاست خارجی ایران تأثیرگذار باشد:

مشروعیت داخلی و بین‌المللی: حمایت از حقوق عمومی می‌تواند به مشروعیت داخلی حکومت کمک کند و تصویر مثبتی از ایران در جامعه بین‌المللی ارائه دهد. این مسئله می‌تواند در بهبود روابط دیپلماتیک و کاهش تنش‌ها مؤثر باشد.

نقش رسانه‌ها و آزادی بیان: وجود آزادی بیان و رسانه‌های مستقل می‌تواند به شفافیت و پاسخگویی در سیاست خارجی منجر شود. این امر باعث می‌شود که سیاست‌های خارجی بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند و از اتخاذ تصمیمات ناپایدار جلوگیری شود.

مشارکت عمومی: مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست خارجی از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی می‌تواند به ایجاد سیاست‌های واقع‌بینانه و منطبق با منافع ملی کمک کند.

۶-۳) تأثیر فقه و حقوق عامه بر یکدیگر: تعاریف، همپوشانی‌ها و تحلیل محدودیت‌ها

فقه اسلامی و حقوق عامه دو نظام حقوقی و اخلاقی هستند که نقش مهمی در ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی ایفا می‌کنند. فقه با ارائه احکام دینی و اخلاقی، به تنظیم رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان می‌پردازد، در حالی که حقوق عامه شامل

مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که شهروندان در برابر دولت دارند. در سیاست خارجی ایران، دیپلماسی دینی به عنوان ابزاری مهم برای افزایش نفوذ و تأثیرگذاری به کار گرفته شده است. اکنون به بررسی تأثیر فقه و حقوق عامه بر دیپلماسی دینی ایران می‌پردازیم و می‌کوشیم تا همپوشانی‌های بین این دو نظام را در زمینه‌های حقوق زنان، آزادی‌های فردی و آزادی بیان و رسانه‌ها تحلیل کنیم. با درک بهتر این تعاملات، می‌توان به تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های مؤثرتری دست یافت که هم ارزش‌های دینی را حفظ کنند و هم حقوق و آزادی‌های عمومی را در چارچوب سیاست خارجی ایران تأمین نمایند.

۳-۴) تعریف فقه و حقوق عامه

فقه: فقه اسلامی مجموعه‌ای از احکام و قواعد است که از منابع اصلی اسلام یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل استخراج می‌شود. فقه به تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان می‌پردازد و شامل عبادات، معاملات، عقود، مجازات‌ها و سایر احکام شرعی است. این نظام، به واسطه گستره وسیع خود، قادر است به مسائل مختلفی از زندگی مکلفان پاسخ دهد. از اینرو در تعریف فقه گفته اند: فقه عبارت است از دانشی که به احکام تکلیفی و وضعی افعال مکلفان پاسخ می‌دهد. این تعریف نشان دهنده گستره حداکثری فقه است (خسروپناه، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۷-۱۳۹).

حقوق عامه: حقوق عامه مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که شهروندان در برابر دولت و بالعکس دارند. این حقوق شامل حقوق مدنی و سیاسی مانند آزادی بیان، حق تجمع، حق مشارکت سیاسی، دسترسی به عدالت و سایر حقوق اساسی می‌شود.

حقوق عامه مفهومی است که فراتر از حقوق ملت یا حقوق بشر است و شامل هر دوی آنها می‌شود. این حقوق در قانون اساسی به موارد مختلفی از جمله حقوق اجتماعی، اقتصادی، قضایی، امنیتی، دفاعی، اخلاقی، آموزشی و فرهنگی اشاره شده است. قانون اساسی تمامی مصادیق حقوق عامه را فهرست نکرده و این حقوق می‌تواند از سایر اسناد حقوقی معتبر نیز منتج شود. حقوق عامه به حقوقی اشاره دارد که مربوط به همه افراد در جامعه و منافع عمومی است و نمی‌توان آن را به حقوق شهروندی محدود کرد، زیرا حقوق شهروندی بیشتر ریشه در فرهنگ حقوقی غرب دارد. حقوق عمومی نزدیک‌ترین مفهوم به حقوق عامه است و در حوزه عمومی که بستر منافع عمومی است، هنجارهای حقوقی برای حمایت از منافع عمومی جامعه حاکمیت دارد. نقض این هنجارها می‌تواند منافع عمومی را تضعیف کند و نیاز به برخورد قاطع و شدیدتر از تخلفات حوزه خصوصی دارد تا عدالت و احیای حقوق عمومی تأمین شود (رک: افشاری و پتفت، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۱-۱۴۰).

۴ - نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی نقش حقوق عامه و دیپلماسی دینی در سیاست خارجی ایران پرداختیم. حقوق عامه به مجموعه‌ای از حقوق و وظایف شهروندان در برابر دولت و بالعکس اشاره دارد، در حالی که دیپلماسی دینی به استفاده از باورها و نهادهای دینی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی می‌پردازد. این دو مفهوم از اهمیت ویژه‌ای در چارچوب سیاست خارجی ایران برخوردارند و بررسی تعامل و تداخل آنها می‌تواند به درک بهتر استراتژی‌های دیپلماتیک ایران کمک کند.

فقه اسلامی به‌عنوان یکی از اجزای اساسی نظام حقوقی ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی به دیپلماسی دینی ایفا می‌کند. نظریه‌های فقهی مختلف، همچون ولایت فقیه و جهاد،

تأثیرات عمیقی بر سیاست خارجی ایران دارند. ایران از طریق این اصول فقهی تلاش کرده است تا نفوذ دینی و فرهنگی خود را در مناطق مختلف جهان افزایش دهد و از آن به عنوان ابزاری برای تقویت مواضع سیاسی و امنیتی خود استفاده کند.

حقوق عامه می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم در سیاست خارجی ایران عمل کند. احترام به حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی می‌تواند به افزایش مشروعیت داخلی و بین‌المللی ایران کمک کند. با این حال، اگر چه فقه و حقوق عامه با یکدیگر همپوشانی کامل دارند ولی بعضی از به ظاهر تعارضات که با عنایت به اعلامیه حقوق بشر تبیین می‌شوند، چالش‌هایی را به وجود آورده است که نیازمند مدیریت دقیق و هوشمندانه است.

ایران از دیپلماسی دینی برای تأثیرگذاری بر دیگر کشورها استفاده کرده است. مواردی مانند حمایت از حزب‌الله در لبنان، همکاری با جوامع شیعه در عراق و تلاش برای تقویت روابط دینی و فرهنگی در آسیای مرکزی و آفریقا نمونه‌هایی از این اقدامات هستند. این دیپلماسی توانسته است به افزایش نفوذ ایران در این مناطق کمک کند، اما با چالش‌هایی همچون رقابت با دیگر قدرت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی نیز مواجه بوده است.

فهرست الفبایی منابع و مآخذ

- افشاری، ف.، و پتفت، آ. (۱۴۰۰). موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن. *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۱۴۰-۱۱۱.
- اسداللهی، م. (۱۳۸۲). جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بازدار، ش. و همکاران. (۱۳۹۵). بررسی و اولویت بندی عوامل واگرایی اثرگذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۲، شماره ۶.
- براسنت، ج. (۲۰۲۱). دین: ادراکات و باورها در کنترل سیاست خارجی جهانی. *مطالعات بین‌المللی در سیاست خارجی چین*، ۵۸ (۱)، ۴۱-۵۸.
- خمینی، ر. (۱۳۲۲). *کشف الأسرار*. تهران: انتشارات آزادی.
- خمینی، ر. (۱۳۶۸). *صحیفه امام*، ج ۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خسروپناه، ع. (۱۳۸۹). چرستی فلسفه فقه با تاکید بر تعریف فقه. *کتاب نقد*، سال دوازده، شماره ۵۴، ص ۱۳۹-۱۰۷.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۹). *اندیشه اسلامی در قرآن*. نسخه الکترونیک تعاملی: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی (صها).
- خامنه‌ای، ع. (بی‌تا). *بیانات، جلد ۴۰، صفحه ۱۷*. [بی‌نا، بی‌جا].

A Study of Public Law and Religious Diplomacy in Iran's Foreign Policy Using the Theories of Islamic Jurisprudence

Seyed Mohammad Mousavi andani

Department of Theology, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Ahmadreza Tavakoli ^{۱*}

Department of Theology, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Mohsen Fahim

Department of Theology, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Date of Receipt: ۰۸/۰۶/۲۰۲۰

Date of Acceptance: ۰۴/۰۸/۲۰۲۰

Abstract

This article examines the role of Islamic jurisprudence in shaping religious diplomacy and its effects on Iran's international relations. It also analyzes the impact of public law on Iran's foreign policies and its overlaps with jurisprudence. Case studies in various regions, including the Middle East, Central Asia, and Africa, show that Iran has used religious diplomacy to strengthen its influence. However, this diplomacy faces challenges such as competition with other powers and sanctions. However, given the successes achieved in the international arena and the benefits that the use of Islamic jurisprudence, especially the jurisprudence of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), has had in diplomacy and public law, this experience can be a suitable model for other countries that are seeking to increase their influence and impact in the international arena for the public good. Finally, the article examines the limitations and opportunities facing Iran in using religious diplomacy.

Keywords: Public Law, Religious Diplomacy, Iranian Foreign Policy, Islamic Jurisprudence, Verses and Narrations

^۱-Corresponding Author: ahmadreza.t@iau.ac.ir